

سورة
مبارک توبه
آیه ۱۲۸

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ

به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است.



نشریه پیام حج، ویژه حجاج بیت الله الحرام
سال اول، شماره چهارم، آبان ۱۳۹۹ ه.ش
ربیع الأول ۱۴۴۲ ه.ق، نوامبر ۲۰۲۰ م، ۸ صفحه

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت
معاونت فرهنگی
مدیریت برنامه و محصولات فرهنگی

ویژه‌نامه سالروز میلاد رسول رحمت و مهربانی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام و هفته وحدت

فرازهایی از خطبه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
در سرزمین منا / ۲

وحدت اسلامی در حج
از دیدگاه امام خمینی ره
و مقام معظم رهبری حفظه الله / ۳

ثمره دعای ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام / ۴

محل تولد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ / ۴

نقش حج در وحدت و تفاهم
مسلمانان، علام شهید مطهری / ۶
تأکید امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام به همیاری در سفر حج / ۵
روایتی از حج‌گزاری امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام / ۵
احادیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام / ۵

برشی از سفرنامه حج رحیم مخدومی
در اولین تشریف به حرم مطهر نبوی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ / ۷

قصیده سعدی در وصف پیامبر اعظم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ / ۸

حرم شریف نبوی به روایت تصاویر / ۹

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَالْهٖ وَسَلَّمَ

فرازهایی از خطبه رسول خدا در سرزمین منا

پیامبر گرامی خدا ﷺ در حجة الوداع بعد از اینکه از عرفات به سوی منا رهسپار شدند، چون به وادی مُحَسِّر رسیدند ناقه خود را کمی به جنبش در آورده و از راهی که به جمره عقبه منتهی می شد راندند تا به آنجا رسیدند، بعد از رمی جمره عقبه، پیامبر در میان جمرات بر روی ناقه ای سوار بودند و خطبه مفصلی انشا فرمودند که مردم بعضی ایستاده و بعضی نشسته، خطبه آن حضرت را گوش می دادند و امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطبه آن حضرت را با صدای بلند برای مردم بازگو می نمود. بعد از هر فراز خطبه، رسول خدا ﷺ می فرمودند: آگاه باشید! آیا من تبلیغ کردم؟ و مردم عرض می کردند: آری! سپس حضرت در پیشگاه احدیت عرضه می داشتند: «خداوندا شاهد باش!» در این خطبه به چهارده منشور اسلام از جانب رسول خدا ﷺ اشاره شده است که متن پیش رو، فرازهایی از خطبه یادشده است:

وَاتَّقُوا اللَّهَ «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» فَمَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ أَمَانَةٌ فَلْيُؤَدِّهَا.
النَّاسُ فِي الْإِسْلَامِ سَوَاءٌ، النَّاسُ طُفَّ الصَّاعِ لَادَمَ وَحَوَّاءَ، لَا فَضْلَ عَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ وَلَا عَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ إِلَّا بِتَقْوَى اللَّهِ

تقوای الهی را پیشه سازید و از حقوق و امور مردم چیزی را کم مگذارید و در زمین به هم ریختگی و آشفتگی و فساد نکنید! پس در نزد هر کس امانتی است باید آن را به صاحبش برگردانند.
مردم در اسلام مساوی هستند، مردم به يك اندازه فرزند آدم و حوainد، هیچ يك از مردم عرب را بر عجم و هیچ يك از مردم عجم را بر عرب، مگر به پرهیزگاری و تقوای خدا فضیلتی نیست.

إِنَّ الْمُسْلِمَ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَغُشُّهُ وَلَا يَحُونُهُ وَلَا يَعْتَابُهُ وَلَا يَحِلُّ لَهُ دَمُهُ وَلَا شَيْءٌ مِنْ مَالِهِ إِلَّا بِطِيبَةِ نَفْسِهِ؛

هر فرد مسلمان برادر مسلمان دیگر است، به او غش و خدعه نمی کند و به او خیانت نمی ورزد و از او غیبت نمی نماید و خون وی را حلال نمی شمرد و هیچ گونه تصرفی در مال او را حلال نمی داند، مگر با طیب نفس و رضایت خاطر او؛ آگاه باشید!

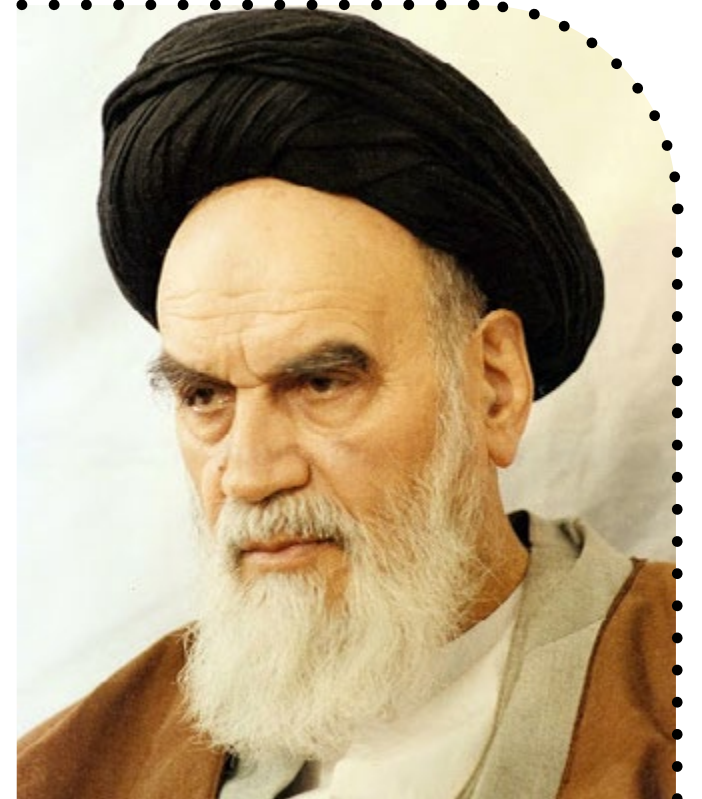
لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفْرًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ، إِنِّي قَدْ خَلَفْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا: كِتَابَ اللَّهِ وَعَثَرَتِي أَهْلَ بَيْتِي.

پس از رحلت من به کفر برنگردید که از جمله گمراه کنندگان بندگان خدا بوده باشید و بعضی از شما بر بعضی دیگر مسلط گردد و تمليك اراده و اختیار و نفوس و اموال مردم را بنماید! من در میان شما دو چیز را به امانت می گذارم که اگر به آن ها تمسك کردید هیچ گاه گمراه نخواهید شد: یکی کتاب خدا و دیگری عترتم که همان اهل بیت من می باشند.

تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۹-۲۱۲، تفسیر درالمنثور، ج ۳، ص ۲۳۴-۲۳۵، مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۷۲ و ۷۳، بحار الانوار ج ۶، ۶۶۲ و ۶۶۳ با اختلافاتی در برخی عبارات
به نقل از کتاب خطبه های منا، حجت الاسلام و المسلمین اصغر محمدی، مدیریت برنامه و محصولات فرهنگی



وحدت اسلامی در حج از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری



حج مظهر وحدت اسلامی است، رنگ‌های مختلف، پوست‌های مختلف، ملیت‌های مختلف، شناسنامه‌های مختلف، مذاهب مختلف، سلیقه‌های مختلف همه در کنار هم و مثل هم. همه باهم طواف می‌کنند، باهم سعی می‌کنند، باهم در عرفات و مشعر وقوف می‌کنند؛ این وحدت خیلی چیز مهمی است. همدلی اسلامی، مظهر واقعی همدلی و هم‌زبانی در حج است؛ نه فقط برای ملت ایران، [بلکه] برای همه مسلمانان جهان؛ برای امت اسلامی. لعنت خدا بر آن کسانی که سعی کردند حقیقت امت اسلامی را، اهمیت امت اسلامی را از ذهن‌ها دور کنند؛ مسلمان‌ها را به اصناف گوناگون، به انگیزه‌های گوناگون تقسیم کنند؛ ملیت‌ها را در مقابل عظمت امت اسلامی بزرگ کنند؛ ملت را از هم جدا کنند؛ درحالی‌که امت اسلامی مهم است؛ عظمت متعلق به امت اسلامی است؛ خدای متعال رحمتش را بر امت اسلامی نازل می‌کند؛ حج مظهر تشکیل امت اسلامی است، مژگنی نمونه خروار. **مِنْ كُلِّ فِجٍّ عَمِيقٍ**؛ از همه جا و از راه‌های دور، مسلمان‌ها جمع می‌شوند در کنار هم و چه فرصت بزرگی که با هم حرف بزنند، با هم همدلی کنند، دردهای یکدیگر را بشنوند، اظهار همدردی با یکدیگر بکنند؛ این دیگر کجا پیش می‌آید جز در حج؟ یکی از جنبه‌های اجتماعی حج مسئله اتحاد است.

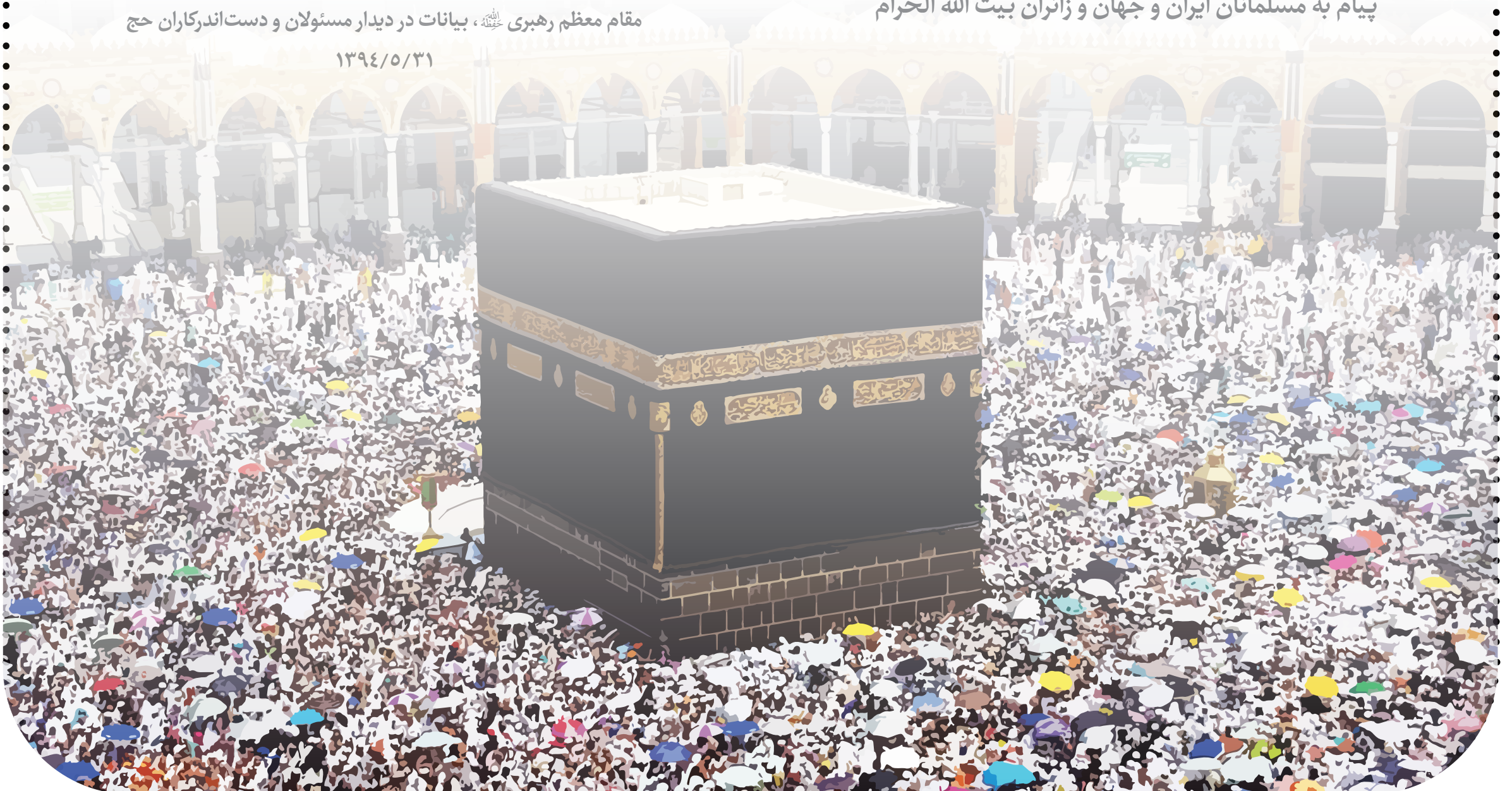
... حج بهترین میعادگاه معارفه ملت‌های اسلامی است که مسلمانان با برادران و خواهران دینی و اسلامی خود از سراسر جهان آشنا می‌شوند و در آن خانه‌ای که متعلق به تمام جوامع اسلامی و پیروان ابراهیم حنیف است، گرد هم می‌آیند و با کنار گذاردن تشخص‌ها و رنگ‌ها و ملیت‌ها و نژادها به سرزمین و خانه اولین خود رجعت می‌کنند و با مراعات اخلاق کریمه اسلامی و اجتناب از مجادلات و تجملات، صفای اخوت اسلامی و دورنمای تشکل امت محمدی **ﷺ** را در سراسر جهان به نمایش می‌گذارند.

امام خمینی **ﷺ**؛ ۱۳۶۶/۵/۶

پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام

مقام معظم رهبری **ﷺ**، بیانات در دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران حج

۱۳۹۴/۵/۳۱



محل تولد رسول خدا ﷺ



خانه‌ای را که رسول خدا ﷺ در آن متولد شد، «مولد النبی» یا محل ولادت پیامبر ﷺ می‌نامند. این خانه، خانه آمنه بنت وهب، در محل شعب ابی طالب یا به عبارت دقیق‌تر سوق اللیل قرار داشت که عقیل بن ابی طالب بعد از هجرت پیامبر ﷺ در آن ساکن شد.

مولد النبی ﷺ مربع شکل و دارای یک ستون و چند در ورودی بود. هنگامی که آن جا را بازسازی کردند، در نزدیکی محراب آن، به نشانه محل تولد پیامبر خدا ﷺ حفره‌ای کنده و با نقره تزیین کردند. این خانه در دوره‌های مختلف تاریخی بازسازی شد.

در پی روی کار آمدن دولت سعودی، هم‌زمان با خراب کردن بقاع متبرک، محل مولد النبی هم تخریب شد. تنها با اصرار شیخ عباس قطان (م ۱۳۷۰) شهردار وقت مکه (۱۳۶۴ تا ۱۳۴۷ ق) و درخواست وی از ملک عبدالعزیز، قرار بر آن شد تا در آنجا کتابخانه‌ای بنا کنند که به آن «مکتبه مکه المکرّمه» نام نهادند و تاکنون برقرار است. اکنون بسیاری از مسلمانان، پشت درب کتابخانه اجتماع می‌کنند و نماز می‌خوانند. در سال‌های اخیر که آمدوشد زیاد شده است، دولت سعودی، ضمن نصب تابلویی در آنجا توصیه کرده است که این محل به هیچ روی متبرک نیست و نماز خواندن در آنجا جایز نمی‌باشد! با اجرای طرح تخریب در حالی که ده‌ها هتل و هزاران مغازه از بین رفته است این بنا هنوز پابرجاست و امید است که در همین قالب کتابخانه نیز در معرض تخریب قرار نگیرد.



برگرفته از کتاب‌های آثار اسلامی مکه و مدینه
و درسنامه‌ آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه مکرّمه و مدینه منوره

ثمره دعای ابراهیم علیہ السلام

درنگی در آیه ۱۲۹ سوره مبارک بقره درباره آخرین دعای ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام به هنگام برافراشتن پایه‌های کعبه



طبق آیات قرآن کریم هنگامی که ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام پایه‌های خانه خدا را بالا می‌برند پنج دعا و تقاضای مهم و جامع را از درگاه الهی مسئلت کردند. آخرین این تقاضاهای پنج‌گانه که آیه یک‌صد و بیست و نهم سوره مبارک بقره راوی آن است این دعاست: رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

پروردگارا! در میان آن‌ها پیامبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و آن‌ها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی (و براین کار، قادری)

آیه فوق بیانگر عظمت فوق‌العاده روح و ترسیم‌کننده سوز و اخلاص درونی حضرت ابراهیم علیهما السلام است؛ زیرا بآنکه او در حال حیات و از پیامبران برجسته الهی است، برای نسل‌های آینده دعا می‌کند که «پروردگارا! در میان مردم و نسل من، پیامبری از خودشان مبعوث کن».

طبق روایات نتیجه و استجابات این دعا از سوی خداوند متعال، رسالت پیامبر اعظم حضرت محمد ﷺ است، چنانچه از حضرت نقل شده است که فرمودند: «أنا دعوة ابی ابراهیم»، یعنی: من نتیجه اجابت دعای پدرم ابراهیم هستم که فرمود:

برگرفته از تفاسیر، مجمع البیان،
المیزان، نمونه و نور



تأسیسات فرهنگی، برگرفته از تارنمای کانون هنر و معنویت

احادیثی از امام صادق علیه السلام

نگاه به کعبه

النَّظَرُ إِلَى الْكَعْبَةِ عِبَادَةٌ

نگاه کردن به کعبه عبادت است.

(کافی، ج ۴، ص ۲۴۰)

محبوب‌ترین مخلوق خدا

الْخَلْقُ عِيَالِي فَأَحَبُّهُمْ إِلَيَّ الْطُّفُفُ بِهِمْ وَأَسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ

آفریده‌ها (مردم) عائله و خانواده من هستند. محبوب‌ترین آنان نزد من کسانی‌اند که با دیگران مهربان‌تر و در برآوردن نیازهایشان کوشا تر باشند.

(اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۹)

خدمت‌رسانی برترین عمل و عبادت

مَا يُعْبَدُ اللَّهُ بِمِثْلِ نَقْلِ الْإِقْدَامِ إِلَى بَرِّ الْإِخْوَانِ

خداوند به عبادتی بالاتر از تلاش برای کمک‌رسانی به برادران و

خدمت به آن‌ها پرستش نشده است.

(تحف العقول، ص ۴۷۱)

روایتی از حج‌گزاری امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام از بزرگترین خشوع‌کنندگان و دعاکنندگان در مواقع حج بودند.

روایت شده که سفیان ثوری گفته است:

به خدا قسم که دیدم جعفر بن محمد را و ندیدم حاجی‌ای را که در مشاعر و وقوف کرده باشد و در تضرع و ابتهال و ناله و زاری به درگاه خداوند بیش از او یا به مانند او عملی انجام داده باشد.

هنگامی که او به عرفات رسید، از مردم کناره گرفت و در دعا و نیایش به درگاه خدا در آن موقف شریف، غرق شد.

کتاب حیات و سیره امام صادق علیه السلام، حجت الاسلام والمسلمین حمید احمدی حاجیکلائی، ص ۷۱

تأکید امام صادق علیه السلام به همیاری در سفر حج

روزی در جمعی، امام صادق علیه السلام فرمودند:

چه شده که ما را سبک می‌شمارید؟

اصحاب تعجب کردند.

یکی از حضار بلند شد و عرض کرد:

پناه بر خدا اگر شما و یا فرمان شما را سبک بشماریم!

امام فرمودند:

بله! تو یکی از کسانی هستی که من را سبک شمردی!

مرد با حالت تعجب عرض کرد:

به خدا پناه می‌برم اگر شما را سبک شمرده باشم!

امام فرمودند:

وای بر تو!

آیا صدای فلانی را نشنیدی که در نزدیکی میقات جحفه به تو گفت:

«به خدا قسم از راه رفتن در مانده شدم، در پیمودن مسافت مقداری به من کمک کن.»

ولی تو کمترین اعتنایی به او نکردی و حتی سرت را بلند نکردی و با این بی‌اعتنایی،

او را سبک شمردی.

هرکه به مؤمنی توهین کند و او را سبک شمارد، ما را سبک شمرده و احترام خداوند عز و

جل را ضایع کرده است. (برگرفته از وسائل الشیعه، ج ۱۲ ص ۲۷۲)

همچنین از حضرت نقل شده است که فرمودند:

لقمان به فرزندش گفت:

هرگاه با جمعیتی مسافرت کردی، در مشورت دادن به آنان کوتاهی نکن و با کرامت و

بزرگواری با آنان رفتار کن.

اگر تو را برای امری طلبیدند، اجابت کن.

اگر از تو کمک و یاری خواستند یاری‌شان کن.

گوش به سخن بزرگ‌ترها بده. اگر به تو دستوری دادند و از تو چیزی پرسیدند، پاسخ

مثبت بده.

هرگاه دیدی دیگران مشغول کار و فعالیت هستند، تو هم بیکار نباش و با آنان همکاری

کن. (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۲۳ و ۳۲۴)



نقش حج در وحدت و تفاهم مسلمانان

علامه شهید مرتضی مطهری

اینکه مسلمانان به صورت ظاهر در مکه اجتماع کنند و دلهاشان نسبت به یکدیگر پر از کینه و عداوت باشد، مصداق کلام خدای متعال باشند: «تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى» (حشر / ۱۴)، (می‌پنداری آن‌ها با هم‌اند و حال آنکه دل‌هاشان پراکنده است) و مصداق کلام علی (ع) بوده باشند: أَيُّهَا النَّاسُ الْمُجْتَمَعَةُ أَبْدَانُهُمُ الْمُخْتَلَفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ (نهج البلاغه، خطبه ۲۹)، ای مردمی که بدن‌هاشان در یک جا جمع شده اما خواسته‌ها و آرزوها و هدف‌هاشان از هم جداست)، این گونه اجتماعی منظور اسلام نیست، حج برای چنین اجتماعی نیست، خداوند به چنین اجتماعی به نظر رحمت نمی‌نگرد.

از قدیم معمول بوده است که گروه‌هایی که با یکدیگر به جنگ می‌پرداخته‌اند هرکدام پرچم مخصوص به خود داشته‌اند و در زیر آن گرد می‌آمده‌اند. پرچم رمز بقا و استقلال و مقاومت آن‌ها به شمار می‌آمده است. برافراشته بودن آن دلیل حیات جمعی آن‌ها بوده است و افتادن و خوابیدن آن علامت شکست آن‌ها بوده است. دلیر و دلاورترین آن‌ها نامزد به دست گرفتن پرچم بوده است، گردان و دلاوران دور او را می‌گرفتند که برافراشته بماند. برعکس، دشمن کوشش می‌کرد که پرچم را بخواباند. پرچم، مقدس و محترم بود. امروز نیز پرچم رمز استقلال و وحدت و شخصیت مستقل ملت‌ها و کشورهاست. هر کشوری از خود پرچم و علامتی دارد و آن را مقدس می‌شمارد و احیاناً به آن سوگند می‌خورد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «کعبه پرچم اسلام است» یعنی همان طوری که پرچم‌ها رمز اتحاد و یگانگی جمعیت‌ها و نشانه همبستگی آن‌هاست و برپا بودن آن علامت حیات آن‌هاست، کعبه برای اسلام این چنین است. در حدیث دیگری وارد شده:

«لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ» ما دام که کعبه بپاست اسلام بپاست، یعنی ما دام که حج زنده و باقی است اسلام زنده و باقی است. کعبه پرچم مقدس اسلام است، رمز وحدت و استقلال مسلمین است. از اینجا می‌توانیم بفهمیم که منظور اسلام این نبوده که مردم ندانسته و نفهمیده بروند به مکه و فقط یک سلسله مناسک که برای خود آنها نامفهوم است بجا آورند. منظور اصلی این است که تحت لوای کعبه یعنی همان خانه‌ای که اولین بار در میان بشر برای پرستش خدای یگانه بنا شد، به صورت یک قوم واحد و ملت واحد و هم‌عزم و هم‌رزم گرد آیند. شعار اصلی و اساسی اسلام «توحید» است. کعبه خانه توحید است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا» یعنی اولین خانه‌ای که برای مردم نهاده شد همان است که در سرزمین مکه است.

اینجا به عنوان دوستی و برادری بفشارند، موانع را از میان ببرند، قراردادهای و پیمانها و مبادله‌های معنوی و مادی با هم برقرار کنند.

این که مسلمانان به صورت ظاهر در مکه اجتماع کنند و دلهاشان نسبت به یکدیگر پر از کینه و عداوت باشد، مصداق کلام خدای متعال باشند: تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى (حشر / ۱۴)، (می‌پنداری آن‌ها با هم‌اند و حال آنکه دلهاشان پراکنده است) و مصداق کلام علی (ع) بوده باشند: أَيُّهَا النَّاسُ الْمُجْتَمَعَةُ أَبْدَانُهُمُ الْمُخْتَلَفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ (نهج البلاغه، خطبه ۲۹) (ای مردمی که بدن‌هاشان در یک جا جمع شده اما خواسته‌ها و آرزوها و هدف‌هاشان از هم جداست)، این گونه اجتماعی منظور اسلام نیست، حج برای چنین اجتماعی نیست، خداوند به چنین اجتماعی به نظر رحمت نمی‌نگرد.

۲. امام صادق (ع) در حدیث معروفی که در کتب حدیث ضبط شده و مفصل است می‌فرماید: «فَجَعَلَ فِيهِ الْإِجْتِمَاعَ مِنَ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ لِيَتَعَارَفُوا» یعنی خداوند مقرر کرد که از شرق و غرب عالم آنجا جمع شوند برای اینکه یکدیگر را بشناسند... ۳. علی (ع) در کلمات خود ضمن بیان فلسفه پاره‌ای از مقررات اسلامی، درباره حج می‌فرماید: «وَالْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ (یا تَقْرِيَةً لِلدِّينِ)» (نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۲۴۴) یعنی فلسفه حج تقویت دین است (یا فلسفه حج نزدیک کردن پیروان دین است). به هر حال منظور یکی است. اگر مفهوم کلام این باشد که فلسفه حج تقویت دین است، منظور این است که با اجتماع حج روابط مسلمانان محکم‌تر می‌شود و ایمان مسلمانان نیرومندتر می‌گردد و به این وسیله اسلام نیرومندتر می‌گردد. اگر مفهوم کلام این باشد که فلسفه حج نزدیک کردن دین است، باز واضح است که منظور نزدیک شدن دل‌های مسلمانان است و نتیجه تقویت و نیرومندی اسلام است.

۴. از سخنان آن حضرت است: جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا (نهج البلاغه، خطبه ۱)، یعنی خداوند کعبه را پرچم اسلام قرار داده است.

که اهل توحید باید در آنجا رنگ توحید و وحدت به خود بگیرد؟ چه خوب گفته است علامه فقید کاشف الغطاء: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى كَلِمَتَيْنِ: كَلِمَةُ التَّوْحِيدِ وَ تَوْحِيدِ الْكَلِمَةِ» یعنی اسلام بر روی دو اصل و دو فکر بنا شده است: یکی اصل پرستش خدای یگانه است، دیگر اصل اتفاق و اتحاد جامعه اسلامی است.

نقش حج در وحدت و تفاهم مسلمانان

... اندك مطالعه در وضع عمل حج به ما می‌فهماند که منظور مقدس شارع اسلام [از] تشریع حج این بوده که مسلمانان به یکدیگر نزدیک‌تر شوند و وسیله‌ای به وجود آید که مسلمانان اقطار عالم خواه ناخواه یکدیگر را در يك نقطه ملاقات کنند و پیوندشان محکم‌تر گردد. ممکن است بعضی افراد گمان کنند این‌ها فرضیاتی است که ما از پیش خود می‌سازیم و می‌بافیم، شارع اسلام چنین منظورهایی نداشته است. از این‌رو لازم است نصوص اسلامی را ذکر کنیم تا معلوم شود اینها مطالبی است که خود اسلام در هزار و چهارصد سال پیش گفته است.

۱. پیغمبر اکرم (ص) جمله‌های معروفی دارد که در زمینه وحدت و تساوی مسلمانان و الغاء امتیازات ایراد فرموده است به این مضمون: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، كُلُّكُمْ لِآدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ وَ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَبِي فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى» (تحف العقول، ص ۳۴).

یعنی همانا پروردگار شما یکی است، پدر شما یکی است، همه شما فرزند آدم هستید و آدم از خاک است، گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست، عرب را بر عجم فضیلت نیست مگر به وسیله تقوا.

این جمله‌ها را که صلاي وحدت و ندای یگانگی و به همبستگی است، در کجا و در چه زمانی و در چه موقعیتی ایراد فرمود؟ در سرزمین مکه و منی و عرفات، در حین انجام عمل حج، در آخرین حج خود که به حجة الوداع معروف است. چرا اینجا را برای این اعلام انتخاب فرمود؟ برای اینکه تا دامنه قیامت که مراسم حج بپاست، مردم بیابند و به یاد توصیه‌های پیغمبر بزرگوارشان بیفتند و متنبه گردند و راه تفرق نپویند، دست یکدیگر را در

... آیا وحدت مسلمین و حسن تفاهم میان

فرق اسلامی جزء منظوره‌ای حج هست یا نه؟

کسی که کوچک‌ترین آشنایی با تعلیمات اسلامی داشته باشد، در این جهت تردید نمی‌کند که اسلام به‌عنوان مختلف دستور داده که مسلمانان دور هم جمع شوند و یکدیگر را از نزدیک ببینند و از احوال یکدیگر مطلع شوند تا دل‌هاشان به یکدیگر نزدیک شود و دیوارها از میان برده شود و شکاف‌ها پر شود.

همه می‌دانیم که طبق نصوص اسلامی، عبادت هر اندازه بیشتر در خلوت و دور از چشم دیگران صورت بگیرد به اخلاص نزدیک‌تر است. در عین حال اسلام دستور اکید داده است که نماز به جماعت خوانده شود و اجر و ثواب این عمل را بیش از آنچه تصور می‌رود از نماز فردای بالاتر برده است، چرا؟ برای اینکه در اثر جماعت، مسلمانان از یکدیگر باخبر می‌شوند ... نماز جماعت یک اجتماع روزانه است و نماز جمعه یک اجتماع عمومی‌تر هفتگی است. نماز عید فطر و نماز عید اضحی دو عبادت اجتماعی دیگر است که سالانه است.

از همه اجتماعات اسلامی مهم‌تر و عمومی‌تر و طولانی‌تر و متنوع‌تر برنامه حج است که به حق آن را «کنگره عمومی اسلامی» نام نهاده‌اند. بر هر کسی واجب است که اگر توانایی داشته باشد لااقل در عمر یک بار در این اجتماع عظیم شرکت کند. همه مسلمانان باید در زمان معین و روزهای معین اعمال معینی را انجام دهند. همه باید یک نوع لباس در آن ایام بپوشند، یک نوع سخن به زبان آورند.

در این عمل بزرگ اسلامی که با همه نقایصی که در اجرای آن وجود دارد باز هم در جهان بی‌نظیر است، هم زمان واحد در نظر گرفته شده و هم مکان واحد، همه باید این اعمال را در روزهای معینی از ذی‌الحجه انجام دهند نه در روزهای دیگر و یا ماه‌های دیگر، و همه باید آن اعمال را در سرزمین معین انجام دهند که همان سرزمینی است که اولین بار در آنجا خانه‌ای برای پرستش خدای یگانه ساخته شده است، چرا؟ آیا جز برای این است که میعادگاه اهل توحید و مجتمع اهل توحید باشد؟ آیا جز برای این است

یار کجاست؟

برشی از سفرنامه حج رحیم مخدومی

در اولین تشرف به حرم مطهر نبوی ﷺ



کتاب «یار کجاست؟» سفرنامه حج به قلم رحیم مخدومی است. مقام معظم رهبری رحمته الله علیه در تقریظی به این سفرنامه اینچنین می نویسد: بار دیگر موسم حج شد و وقت انس و معاشقه من با سفرنامه های حج، دودکبابی به ضرورت، با مصداقی از «وصف العیش، نصف العیش»؛ و «ماشاء الله کان». اما بی شک این یکی از بهترین سفرنامه های حج است که من خوانده ام. اگر نگوییم بهترین؛ لطیف، پرنکته، ژرف نگر، با روح، موعظه آمیز، گویا و همراه با هنرمندی های ادیبانه و نگارش؛ از قبیل زیبایی قلم، همراهی طنز، اشتغال بر تصویر، آمیختگی به خیال؛ بعضی جاها از این جهت مثل شعراست... خلاصه اینکه، نوشته زیبا و شیرینی است... مرا دو، سه روزی در هنگام بیداری های کوتاه پیش از خواب، مست و دلاویز خود ساخت. متن پیش رو فرازی از این سفرنامه در توصیف اولین تشرف نگارنده به حرم نبوی صلی الله علیه و آله و سلم است.

بعد از صرف ناهار و کمی استراحت و استحمام، آمادگی می آید سراغم، راه می افیم. حالا کمی سبک شده ام. هوا تاریک است. صدای اقامه نماز جماعت از زیر آن گلدسته های دور به گوش می رسد. سرعت می گیرم. اما بعید است به نماز برسم. به نزدیکی حرم که می رسم، سد جماعت به یک باره می شکند و سیلاب مردم سرازیر می شوند. همه تند و شتابان. با رنگها، اندازه ها و چهره های مختلف. از بلال سیاه حبشی گرفته تا سلمان پاک ایرانی. ترک ها، هندوها و آفریقایی ها هم؛ اگر آن روز نبودند، حالا هستند و آمده اند. این جا مکتب خانه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است و تنها ملاک برتری؛ تقوا.

داخل می شوم. از همان دری که حضرت جبرائیل در هیأت «دحیه کلبی» وارد می شد، دو زانو می نشست و از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اجازه می خواست برای ابلاغ پیام وحی. من هم داخل می شوم، اما گیج و سردرگم. مثل مسافر در راه مانده. تا چشم کار می کند ستون است که زیر سقف بزرگ مسجد شانه داده، و آدم هایی که روی زمین ستون شده اند. دست و پای خود را گم کرده ام. حتی تمرکز فکر و حواس را نیز. حتی احساس را که لحظه ای پیش غلیان می کرد. مانده ام حیران و مبهوت. ترس می آید سراغم. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم غریب است و بسیار پر تواضع. نکند بینی و شناسی اش. نکند بی عرضگی در ادای احترام عمری شرمسارت کند. بهتر است بر گردی و یک بار دیگر بیایی، یا حداقل بیش از این جلو نروی، کمی بیشتر به خود آیی. خودت را پیدا کنی و بعد یکی یکی از کوچکترها شروع کنی تا بررسی به آقا. دیدار او مقدمه می خواهد...

اما این جای کار دیگر دست تو نیست. خود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سلسله مراتب دیدار را انتخاب می کند. فشار، جمعیت را می فرستد سراغت و هلت می دهد تا انتهای دیوار. آن سوی دیوار نرده ای، پلیس سعودی ایستاده است و این سو نیز! به بن بست رسیده ای. جمعیتی انبوه، شانه به شانه هم ایستاده اند رو به پنجره ای مشبک که جزئی از ضریح بزرگ مسجد است. همه می گریند و ورد می خوانند. تو هم به خود تلقین می کنی تا سوار بر اسب احساسات شوی و در دریای اشک و آه بتازی...

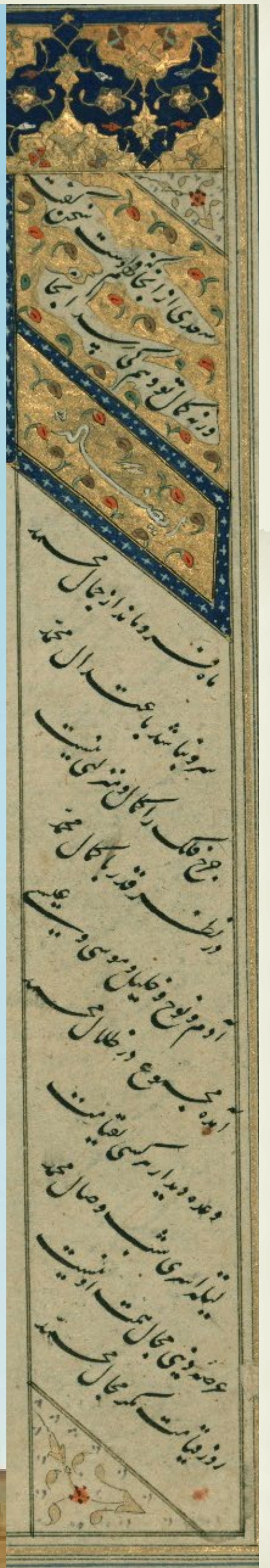


جمال محمد ﷺ

سرو نباشد به اعتدال محمد
در نظر قدر با کمال محمد
لیله اسری شب وصال محمد
آمده مجموع در ظلال محمد
روز قیامت نگر مجال محمد
بو که قبولش کند بلال محمد
تا بدهد بوسه بر نعال محمد
نور نتابد مگر جمال محمد
پیش دو ابروی چون هلال محمد
خواب نمی گیرد از خیال محمد
عشق محمد بس است و آل محمد

سعدی رحمۃ اللہ علیہ

ماه فروماند از جمال محمد
قدر فلک را کمال و منزلتی نیست
وعده دیدار هر کسی به قیامت
آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی
عرصه گیتی مجال همت او نیست
وانهمه پیرایه بسته جنت فردوس
همچو زمین خواهد آسمان که بیفتد
شمس و قمر در زمین حشر نتابد
شاید اگر آفتاب و ماه نتابند
چشم مرا تا به خواب دید جمالش
سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی



نشریه پیام حج
شماره چهارم، ربیع الأول ۱۴۴۲ هـ ق، آبان ۱۳۹۹ هـ ش، نوامبر ۲۰۲۰ میلادی، ۸ صفحه
حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، معاونت فرهنگی، مدیریت
برنامه و محصولات فرهنگی
نشانی: تهران، خیابان آزادی، خیابان رودکی شمالی، سازمان حج و زیارت، طبقه
اول، اتاق ۲۳۹
تلفن: ۶۴۵۱۲۱۵۲
تارنما: mb.hajj.ir

حرم مطهر نبوی ﷺ
به روایت تصاویری زیبا

جمال آفتاب

